

Stop Saying Angry: Annoyed, Frustrated or Furious?

English learning resource · FA

Line-by-line · English + Persian

70 lines

Study task: Listen again and notice the expressions you studied.

Julia, the ticket machine would not accept my card.

جولیا، دستگاه بلیت کارتم را قبول نمی‌کرد.

Then the app froze.

بعد برنامه هم هنگ کرد.

I was angry.

عصبانی بودم.

Angry is possible, Martin.

Angry ممکن است درست باشد، مارتین.

But were you a little irritated, unable to do what you needed, or absolutely full of anger?

اما کمی آزرده بودی، نمی‌توانستی کار لازم را انجام بدهی، یا سراپا خشم بودی؟

The middle one.

گزینه وسط.

I wanted a ticket, and nothing worked.

بلیت می‌خواستم و هیچ چیز کار نمی‌کرد.

Then frustrated might describe your experience more precisely.

پس شاید frustrated تجربه‌ات را دقیق‌تر توصیف کند.

Welcome to Precision English, from Your English Toolbox.

به Precision English از Your English Toolbox خوش آمدید.

I am Julia.

من جولیا هستم.

And I am Martin.

و من مارتین هستم.

Today we are comparing annoyed, frustrated and furious.

امروز annoyed و frustrated و furious را مقایسه می‌کنیم.



Three useful words, but not three identical meanings.

سه واژه کاربردی، اما نه با سه معنی یکسان.

Let us start with annoyed.

با annoyed شروع کنیم.

Annoyed means slightly angry or irritated.

Annoyed یعنی کمی عصبانی یا آزرده.

Something bothers you, but the feeling is usually not extreme.

چیزی اذیتت می‌کند، اما این احساس معمولاً شدید نیست.

For example: I was annoyed because someone kept talking during the film.

مثلاً: ناراحت بودم چون کسی در طول فیلم مدام حرف می‌زد.

Or: She was annoyed with me for leaving the kitchen untidy.

یا: از من ناراحت بود چون آشپزخانه را نامرتب گذاشته بودم.

We can be annoyed with a person, or annoyed about a situation.

برای شخص می‌توانیم annoyed with و برای موقعیت annoyed about بگوییم.

The noise on the train annoyed me, but it did not ruin my whole day.

سروصدای قطار اذیتم کرد، اما تمام روزم را خراب نکرد.

Exactly.

دقیقاً.

Our second word is frustrated.

واژه دوم ما frustrated است.

Frustrated describes the unpleasant feeling of being unable to achieve what you want, especially because something keeps getting in the way.

Frustrated احساس ناخوشایند نرسیدن به چیزی را توصیف می‌کند که می‌خواهی، به‌ویژه وقتی مدام مانعی سر راهت قرار می‌گیرد.

That was the ticket machine.

مشکل دستگاه بلیت همین بود.

I tried my card, then the app, then my card again.

کارتم را امتحان کردم، بعد برنامه را و بعد دوباره کارتم را.

I could not move forward.

نمی‌توانستم جلو بروم.

You were frustrated with the machine.

از دستگاه کلافه شده بودی.



Another example: He felt frustrated because he could understand the conversation but could not find the words to reply.

مثال دیگر: احساس کلافگی می‌کرد چون گفت‌وگو را می‌فهمید، اما واژه‌های لازم برای پاسخ دادن را پیدا نمی‌کرد.

An English learner may recognise that feeling.

یک زبان‌آموز انگلیسی ممکن است این احساس را بشناسد.

Yes, and it does not mean they are failing.

بله، و این به معنای شکست خوردن او نیست.

It describes the feeling when progress is blocked.

این واژه احساس زمانی را توصیف می‌کند که راه پیشرفت بسته شده است.

We can say frustrated with something, or frustrated by a problem.

می‌توانیم frustrated with something یا frustrated by a problem بگوییم.

So frustrated is not simply a stronger version of annoyed.

پس frustrated فقط شکل شدیدتر annoyed نیست.

Correct.

درست است.

The cause matters.

علت اهمیت دارد.

You can feel frustrated without being very angry with anyone.

ممکن است کلافه باشی بدون اینکه از کسی خیلی عصبانی باشی.

Your own difficult task may be enough.

همان کار سخت خودت ممکن است کافی باشد.

Our third word is furious.

واژه سوم ما furious است.

Furious means extremely angry.

Furious یعنی به شدت عصبانی.

Imagine that somebody deliberately damages your car and then laughs about it.

تصور کن کسی عمداً به ماشینت آسیب بزند و بعد به آن بخندد.

You might be furious.

ممکن است خشمگین شوی.

For example: She was furious when she discovered that someone had used her bank card without permission.

مثلاً: وقتی فهمید کسی بدون اجازه از کارت بانکی‌اش استفاده کرده، به شدت عصبانی شد.



Or: He was furious with his colleague for taking credit for his work.

یا: از همکاریش خشمگین بود چون اعتبار کار او را به نام خودش زده بود.

Furious is already strong.

Furious خودش واژه‌ای قوی است.

Absolutely furious sounds natural; very furious is usually unnecessary.

Absolutely furious طبیعی به گوش می‌رسد؛ very furious معمولاً لازم نیست.

Let us put all three into one ordinary day.

هر سه را در یک روز عادی به کار ببریم.

A phone keeps making little noises during a meeting.

تلفنی در طول جلسه مدام صداهای ریز درمی‌آورد.

I am annoyed.

من annoyed هستم.

You try to finish an important form, but the website keeps deleting your answers.

سعی می‌کنی یک فرم مهم را تمام کنی، اما وبسایت مدام پاسخ‌هایت را پاک می‌کند.

You are frustrated.

تو frustrated هستی.

Then you learn that someone deliberately lied about you.

بعد می‌فهمی کسی عمداً دربارۀات دروغ گفته است.

Depending on your reaction, you might be furious.

بسته به واکنشت، ممکن است furious باشی.

Notice that the situation does not force one word.

دقت کن که هر موقعیت الزاماً فقط یک واژه ندارد.

We choose the word for the person's real feeling.

واژه را بر اساس احساس واقعی فرد انتخاب می‌کنیم.

Now you choose.

حالا تو انتخاب کن.

A small irritation: annoyed, frustrated or furious?

یک ناراحتی کوچک: annoyed یا frustrated یا furious؟

Annoyed.

.Annoyed



You cannot solve a problem after several attempts.

بعد از چند تلاش نمی‌توانی مسئله‌ای را حل کنی.

Frustrated.

.Frustrated

You feel extremely angry about something serious.

درباره موضوعی جدی، به شدت عصبانی هستی.

Furious.

.Furious

Now make it personal: I sometimes feel frustrated when...

حالا شخصی‌اش کن: گاهی کلافه می‌شوم وقتی...

Try completing that sentence aloud.

سعی کن این جمله را با صدای بلند کامل کنی.

Precision comes from connecting a word to a real situation.

دقت در زبان از پیوند دادن واژه با موقعیتی واقعی می‌آید.

Our episode page at yourenglishtoolbox.com has the printable vocabulary guide, with meanings, nuances and examples.

صفحه این قسمت در yourenglishtoolbox.com راهنمای قابل چاپ واژگان را با معنی، ظرافت کاربرد و مثال دارد.

Follow the link in the description.

پیوند توضیحات را دنبال کن.

Annoyed: irritated.

.Annoyed: آزرده.

Frustrated: unable to make progress.

.Frustrated: ناتوان از پیشرفت.

Furious: extremely angry.

.Furious: به شدت عصبانی.

See you next time.

تا دفعه بعد.

